

به نام خدا

تحلیل نسل زدایی در پرتو حقوق بین الملل کیفری

مولفان :

عباس غلامی حسین آبادی

مصطفی اکبری

منوچهر فانی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

سرشناسه: غلامی حسین آبادی، عباس، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور: تحلیل نسل زدایی در پرتو حقوق بین الملل کیفری / مولفان
عباس غلامی حسین آبادی، مصطفی اکبری، منوچهر فانی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ص.

شابک: ۱-۸۳۷-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸:۶۱۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۷-۱۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نسل کشی (حقوق بین الملل)

Genocide (International law)

جرایم بین المللی

International crimes

شناسه افزوده: اکبری، مصطفی، ۱۳۶۴ -

شناسه افزوده: فانی، منوچهر، ۱۳۵۰ -

رده بندی کنگره: KZV۱۸۰

رده بندی دیویی: ۳۴۵/۰۲۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۴۸۹۸۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

نام کتاب: تحلیل نسل زدایی در پرتو حقوق بین الملل کیفری
مولفان: عباس غلامی حسین آبادی - مصطفی اکبری - منوچهر فانی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

چاپ: مدیران

قیمت: ۶۱۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۱-۸۳۷-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه.....
بخش اول: نسل کشی: مفهوم شناسی و عناصر نسل زدایی / ۱۳	
۱۳	«فصل اول- پیشینه و مفهوم نسل کشی».....
۱۳	گفتار اول: پیشینه.....
۱۵	بند اول: توسعه مفهوم نسل کشی.....
۱۸	بند دوم: مراحل تدوین کنوانسیون نسل کشی.....
۲۵	گفتار دوم: مفهوم نسل کشی.....
۲۵	بند الف: واژه شناسی نسل کشی.....
۲۸	بند دوم: نسل کشی در اصطلاح حقوقی.....
۳۴	«فصل دوم- مجنی علیه در جنایت نسل کشی».....
۳۴	گفتار اول: گروه انسانی مجنی علیه جنایت.....
۳۵	بند اول: تعریف گروه.....
۳۷	بند دوم: ویژگی مجنی علیه.....
۴۸	بند دوم: گروه هایی که مشمول حمایت نیستند:.....
۵۲	بند سوم: گروه فرهنگی.....
۵۳	گفتار سوم: عناصر جنایت نسل کشی.....

بند اول: عنصر قانونی ۵۳

بند دوم: عناصر مادی جرم ۵۴

بند سوم: عنصر معنوی ۷۶

بخش دوم: اقدامات قابل مجازات در نسل کشی / ۸۵

«فصل اول- نسل کشی، تبانی به منظور ارتکاب نسل کشی، شروع به جرم نسل کشی و

معاونت در نسل کشی» ۸۷

گفتار نخست: نسل کشی ۸۷

گفتار دوم: تبانی به منظور ارتکاب نسل کشی ۸۷

گفتار سوم: شروع به نسل کشی ۸۹

گفتار چهارم: معاونت در نسل کشی ۹۰

گفتار پنجم: اعمال تعدی آمیز علیه یک گروه انسانی ۹۲

«فصل دوم- واقعیت های موجود در خصوص مرتکب نسل کشی» ۹۴

گفتار نخست: مسوولیت کیفری فرد از طریق دولت ۹۵

گفتار دوم: احراز مجرمیت مرتکب ۹۸

بند نخست: وسایل به کار برده شده توسط مرتکب ۹۹

بند دوم: نتیجه جرم ۱۰۰

بند سوم: وضعیت و طول زمانی جریان ۱۰۲

گفتار دوم: مجرمیت مرتکب از طریق عنصر معنوی ۱۰۳

- بند نخست: علم ۱۰۴
- بند دوم: سوء نیت عام ۱۰۵
- بند سوم: سوء نیت خاص ۱۰۵
- «فصل سوم - تحریک مستقیم و علنی به ارتکاب کشتار جمعی» ۱۱۷
- گفتار نخست: پیشینه ورود بحث تحریک مستقیم و علنی به کنوانسیون ۱۱۹
- گفتار دوم: تحریک در اسناد دیگر ۱۲۸
- گفتار سوم: تحریک مستقیم و علنی در رویه قضایی ۱۳۱
- گفتار چهارم: معنای «مستقیم» و «علنی» ۱۳۷
- نتیجه گیری ۱۴۵
- فهرست منابع** ۱۴۷

مقدمه

مفهوم جنایت علیه انسانیت، در یک سند رسمی بین المللی نخستین بار در اساسنامه دادگاه بین المللی نظامی برای محاکمه جنایتکاران جنگی نازی (دادگاه نورنبرگ) مطرح شد. صور منفرد این جنایت مانند قتل هر چند در حقوق کیفری داخلی کشورها پیش بینی شده اما جمع و طبقه بندی آنها در یک عنوان واحد و شناسایی آنها به منزله یک جنایت بین المللی در این اساسنامه تازگی داشت.^۱ اعمال خشونت آمیز و غیر انسانی که در خلال جنگ جهانی دوم و مدتی قبل از آن توسط کشورهای محور انجام پذیرفت، جهانیان را بر این حقیقت آگاه ساخت که این اعمال تنها نقض حقوق زمان صلح و اقدام به جنگ (که قبلاً ممنوع و جرم شناخته شده بود) نیست؛ بلکه استفاده از ابزارهای جدیدی علیه غیرنظامیان که تا آن زمان بی سابقه بود و گسترده بودن این عملیات مستلزم واکنش و پاسخ

۱. جوانمردی صاحب، مرتضی، «نسل کشی: ساختار عناصر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸،

جداگانه ای بود. اعلامیه سنت جیمز در سال ۱۹۴۲ و اعلامیه مسکو در سال ۱۹۴۳ حاوی اخطار کشورهای متفق به کشورهای محور در زمینه این جنایات بود.^۱

پس از پایان جنگ و تشکیل دادگاه بین‌المللی نورمبرگ، جنایات علیه انسانیت به عنوان یکی از اتهامات سران نازی مورد توجه قرار گرفت. بر اساس بند ج ماده ۶ اساسنامه دادگاه جنایات علیه انسانیت عبارت بودند از:

«قتل باسبق تصمیم، نابودی کامل، به بردگی گرفتن فرد، نقل و انتقال افراد و هر عمل غیرانسانی دیگر که در مورد افراد غیرنظامی، قبل از جنگ یا در حین جنگ صورت پذیرد. همچنین آزار و اذیت بر مبنای دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی که در تعقیب هر جرمی واقع شود که داخل در صلاحیت دادگاه بین‌المللی یا وابسته به چنین جرایمی باشد، این امر اعم از آن است که این آزارها از موارد نقض حقوق داخلی کشوری که در آن واقع شده اند، باشند یا نباشند».^۲

جنایات علیه انسانیت در دادگاه نورمبرگ به تبع جنایات علیه صلح و جنایت جنگی مطرح شد. اما پس از آن اندک اندک در دکتترین حقوقی و مصوبات بین‌المللی این تمایل پدیدار شد که مفهوم جنایات علیه انسانیت مستقل از جنایات جنگ و نقض صلح، مطرح و

۱. آرونو، اوژن، «جرم علیه بشریت»، ترجمه دکتر علی آزمایش، مجله حقوق بشر، سال سوم، شماره‌های ۱۰-الف- و ۱۱-ب- ۱۳۵۲، صص ۵۶-۵۳ و پلاوسکی، استانیسلاو، «بررسی اصول حقوق بین‌الملل کیفری»، ترجمه دکتر علی آزمایش، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پلی کبی، ۱۳۷۱-۱۳۷۰ صص ۴۸-۴۶.

۲. پلاوسکی، استانیسلاو، پیشین، ص ۱۲۴.

رسیدگی شود.^۱ نسل کشی نیز یکی از این جنایات بود که چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ جرم و قابل مجازات دانسته شد.

از جمله عناوین اتهامی مذکور در کیفرخواست مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۴۵ دادستانی دادگاه نورمبرگ، جنایات علیه انسانیت بود. در بند ب این عنوان «قتل بر مبنای دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی و در راستای اجرای مستقیم یا غیرمستقیم طرح منعکس در اولین عنوان اتهامی ادعانامه» را پیش بینی کرده بود و به طور مشخص از کشتار یهودیان سخن به میان آمده بود.^۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ این جنایت را مورد توجه قرار داد و توصیه نموده بود که کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد این جرم را در مجموعه قوانین کیفری بین المللی وارد نماید.^۳ این اعلام های رسمی که در نهایت منجر به تصویب کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی شد، ریشه در دکتترین حقوقی داشت. حقوقدان بزرگ لهستانی، رافایل لمکین، از سال

۱. آرونو، ب، ص ۱۵ و پلاوسکی، پیشین، صص ۱۳۱ و ۱۳۲ و همچنین فرانسویون، ژاک، «جنایات جنگ، جنایات علیه بشریت»، ترجمه و تلخیص دکتر اردبیلی، محمدعلی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره هفتم، ۱۳۶۵، صص ۲۲۵-۲۲۳.

۲. آرونو، ب، پیشین، ص ۲۵.

۳. عظیمی، عبدالرسول، محاکمه نورنبرگ از نظر حقوق جزا، تهران، ناشر نامعلوم، ۱۳۴۱، ص ۶۵.

۱۹۳۳ فعالیت‌هایی را آغاز و پیشنهاد کرده بود که «اعمال اعدامی یا انهدامی که متوجه جمعیت‌های نژادی، مذهبی، یا اجتماعی می‌شوند» مجازات گردند.^۱

پس از دادگاه نورمبرگ و صدور قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان را مأمور بررسی و تهیه طرح یک کنوانسیون بین‌المللی در مورد جنایت نسل‌کشی کرد که این شورا، متن کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و نوزده ماده برای امضاء نمایندگان کشورها آماده کرد، که از اوایل سال ۱۹۵۱ قابل اجرا شد.^۲

در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق^۳ (دادگاه یوگسلاوی) و همچنین در اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا^۴ (دادگاه رواندا) نیز جرم نسل‌کشی از جمله جرایم تحت صلاحیت این محاکم می‌باشد. نسل‌کشی در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸ نیز به عنوان اولین جرم تحت صلاحیت این دادگاه پیش‌بینی شده است که از

۱. لومبوا، کلود، حقوق جزایی بین‌المللی، قسمت اول، حقوق جرایم بین‌المللی، ترجمه دکتر علی آزمایش، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پلی‌کپی، ۱۳۶۹-۱۳۶۸، ص ۵۶.

۲. در این خصوص در بحث پیشینه کنوانسیون در همین نوشتار به طور مفصل‌تر بحث خواهد شد. برای اطلاع بیشتر بنگرید: اردبیلی، محمدعلی، پیشین، صص ۴۵-۴۱.

۳. این دادگاه برای رسیدگی به نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ارتكابی در یوگسلاوی سابق توسط شورای امنیت در سال ۱۹۹۳ تشکیل شد. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: نژندی منش، هیبت‌الله و زهرا الیاسی قهفرخی، حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶.

۴. این دادگاه برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در رواندا در سال ۱۹۹۴ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل شد.

حیث شرط پیش بینی شده در ماده ۹ که مقرر می دارد: «عناصر تشکیل دهنده جرایم در تفسیر و تطبیق مواد ۶ و ۷ و ۸ به دیوان کمک خواهد، این عناصر باید به تصویب اکثریت دو سوم اعضای مجمع عمومی دولت های عضو برسد» حایز اهمیت است.

در این نوشتار، ابتدا در مورد پیشینه جنایت نسل کشی و همچنین کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی بحث شود. سپس عناصر این جنایت (عناصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی) بحث خواهد شد. در فصل دیگر تحریک مستقیم و علنی به جنایت نسل کشی مورد بررسی قرار می گیرد.

بخش اول:

نسل کشی: مفهوم شناسی و عناصر نسل زدایی

«فصل اول - پیشینه و مفهوم نسل کشی»

گفتار اول: پیشینه

نسل کشی وصف جدیدی است برای یکی از خشونت آمیزترین اعمالی که بشر از دیرباز نسبت به هموعان خود مرتکب شده است، نه تنها در تاریخ پیشینان چهره هایی نظیر اسکندر مقدونی، سوروس امپراطور روم، چنگیزخان، تیمور لنگ و ... تلخ ترین خاطرات را از صحنه های قتل عام اهالی شهرها از خود به یادگار گذاشتند، بلکه در عصر ما نیز حکام ظالم، به کمک ابزارهایی به مراتب کشنده تر با قتل عام گروه های نژادی و قومی، لکه های سیاه بر تاریخ معاصر نهادند. نسل امروز هنوز خاطره کشتار ارمنیان، سوزاندن یهودیان، قتل عام تاتارهای کریمه و آلمانیهای ناحیه ولگا، کشتارهای سرخ پوستان

آمازونی، کشتار مردیم ایبو در بیافرا و انتقام‌جویی از مردم مای لای در ویتنام فراموش نشده است. آیندگان نیز خاطره تلخ کشتار دهشتناک مردم حلبچه، رواندا و صرب‌نیتسا (یوگسلاوی سابق) را همواره در ذهن خواهند داشت. در هر حال، اجتماعی را در طول تاریخ بشر نمی‌توان یافت که چنین پدیده‌ای به شکلی در آن ارتکاب نیافته باشد.

در میان رویدادهایی که با کشتار مردمان پیوند ناگسستنی دارد باید از جنگ و به ویژه جنگ تمام عیار نام برد. این گونه جنگ‌ها بر خلاف گذشته که هدف نخستین آن در هم شکستن قدرت نظامی کشور متخاصم بود، دامنه تقریباً گسترده‌ای یافته و امروزه قلمرو مالی، اقتصادی، بازرگانی و حتی فرهنگی را نیز در بر گرفته است. در حقیقت، هدف جنگ‌های تام تضعیف توان و استعدادهای رزمی و بالقوه طرف متخاصم است، به نوعی که تشخیص جبهه جنگ از پشت جبهه و رزمنده از غیر رزمنده در مخاصمات میان کشورها روز به روز دشوارتر می‌شود. از این رو خطر کشتار جمعی به مثابه ابزار تحلیل برنده نیروهای جنگ‌جان افراد غیرنظامی را به شدت تهدید می‌کند.

سارتر در گزارش خود به دادگاه برتراند راسل موضوع دیگری را که قرابت آن در طول تاریخ استعمار با نسل‌کشی مردم سرزمین‌های استعمارشده شناخته شده، در کنار جنگ بیان می‌کند و آن ارزش عبرت‌آموزی مردم بومی است. از نظر سارتر:

دسته‌های استعمارگر وجود خود را با ارباب و وحشت، یعنی با کشتارهای پیاپی و مداوم، بر مردم تحمیل می‌کنند. این کشتارها جنبه عام دارند. هدف آن است که قسمتی از

اهالی (یعنی گروه های نژادی، ملی یا مذهبی) نابود شوند تا بقیه مردم بترسند و جامعه بومی منهدم گردد.^۱

سارتر در ادامه گزارش خود می نویسد: «با این همه، ارزش و دسترنج تقریباً رایگانان تا حدی آنان را در برابر کشتار عام محفوظ نگاه می دارد».^۲

نژاد پرستی نیز در میان پدیده های جمعی دیگر که آشکارا تصور کشتار عام را در اذهان تقویت می کند و زمینه ای مساعد برای ارتکاب این گونه جنایات فراهم می آورد، زیرا نژاد پرستی شکاف میان گروه های اجتماعی را عمیق تر می کند و سرانجام تضادهای گروهی را شدت می بخشد، و چون ماهیت نژاد پرستی تفوق نژادی است، نهایتاً سلطه جویی نژادی به تحمیق و تحقیر نژادی و در نتیجه به حذف گروه های نژادی منجر می شود. سیاست های نژادپرستانه عموماً راه حل ممکن مساله نژادی را در کشتار جمعی جستجو می کنند.^۳

بند اول: توسعه مفهوم نسل کشی

مفهوم نسل کشی ابتدا توسط علمای حقوق بین الملل کیفری مطرح شد و سپس به اسناد رسمی راه پیدا کرد. رافائل لمکین، حقوق دان لهستانی، نخستین بار این واژه را برای بیان

۱. رحیمی، مصطفی (گردآورنده و مترجم)، کشتار عام، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۷، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. اردبیلی، محمدعلی، کشتار جمعی، پیشین، ص ۶۲.

پاره ای از اعمال ضد انسانی وضع کرد که در زمان جنگ جهانی دوم ارتکاب یافته بود. پیش از آن در سال ۱۹۴۳، پرفسور لمکین در پنجمین کنفرانس متحدالشکل کردن حقوق بین‌الملل کیفری که در مادرید برگزار شد، وجود دو دسته اعمال کیفری که به قصد نابودی گروه‌های نژادی، مذهبی و ملی ارتکاب می‌یابد به عنوان جنایات علیه انسانیت به اثبات رسانیده بود. به این ترتیب، در ابتدا اعمالی که تعدی نسبت به شخص یا نسبت به حیات اقتصادی اعضای اجتماعات بشری محسوب می‌شود، جرم قساوت و اعمالی که به قصد از بین بردن ارزشهای فرهنگی جوامع انسانی صورت می‌گیرد «جرم توحش» نامیده شدند. از دیدگاه لیمن کشتار جمعی یعنی نابودی یک ملت یا یک قوم و منظور از کشتار جمعی ضرورتاً نابودی فوری یک ملت نیست، بلکه مراد طرحی است مشتمل بر یک سلسله اعمال متفاوت که بنیادهای اساسی حیات گروه‌های ملی را به ویرانی می‌کشد تا در نهایت به انهدام این گروه‌ها بینجامد. هدف چنین برنامه‌ای از هم پاشیدن نهادهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ، زبان، احساسات ملی، دین و موجودیت اقتصادی گروه‌های ملی و نابودی امنیت شخصی، آزادی، تندرستی، شایستگی و همچنین حیات افرادی است که به این گروه‌ها تعلق دارند. کشتار جمعی توجه به حیات یک گروه ملی به عنوان یک موجود دارد و موجب اعمالی می‌شود که متوجه افراد نه به لحاظ برخورداری از اهلیت فردی بلکه به عنوان اعضای گروه ملی است.^۱

1. Rafael Lemkin, Le genocide, Revue international de droit penal, 1946, No. 10, p. 371.

به نقل از: اردبیلی، محمدعلی، پیشین، صص ۶۳-۶۲.

مفهوم نسل کشی، ابتدا صرفاً به عنوان یک طبقه فرعی از جرایم علیه انسانیت ظاهر شد. بند ج ماده ۶ منشور دیوان بین المللی نظامی نورنبرگ و شق ج بند ۱ ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای کنترل به طور صریح از نسل کشی به عنوان یک طبقه مستقل از جرایم نامی نبردند. اما ادبیات زیربیط به وضوح حاکی از آن است که جرایم مورد نظر در آن جا شامل نسل کشی نیز می گردد.^۱ به موجب این اساسنامه، اعمال زیر باید جنایت علیه بشریت تلقی شود: ارتکاب قتل، نابودی، به بردگی کشیدن، تبعید و هر عمل غیر انسانی دیگری نسبت به هر نوع جمعیت غیر نظامی خواه پیش از جنگ و خواه در اثنای آن و یا آزار و شکنجه به دلایل سیاسی و نژادی یا به دنبال هر جنایتی که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه قرار داد یا با چنین جنایتی مرتبط است هر چند این اعمال و آزار و اذیت ها نقض حقوق داخلی کشوری که در آن ارتکاب یافته به شمار نیاید...^۲

دیوان بین المللی نظامی نورنبرگ و دیوان بین المللی توکیو هیچ یک اشاره صریحی به نسل کشی نکردند؛ بلکه این محاکم در رسیدگی به موضوع نابودسازی یهودیان و دیگر جمعیت های قومی یا مذهبی، اکثراً به جرم آزار جمعی اشاره کردند.^۳

۱. کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیراجمند و زهرا موسوی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵.

۲. بند ج ماده ۶ اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی نورمبرگ، مورخ ۸ مارس ۱۹۴۵.

۳. کاسسه، آنتونیو، پیشین، ص ۱۱۵.

نخستین سند بین‌المللی که در آن واژه کشتار جمعی صراحتاً به کار گرفته شد کیفرخواست ۱۸ اکتبر ۱۹۴۵ علیه جنایتکاران جنگی آلمان در دادگاه نورنبرگ بود. در این سند آمده است که سران نازی با پرداختن به نسل‌کشی عمدی و پیاپی یا به بعضی سرزمین‌های اشغالی به منظور اضمحلال نژاد ژرمن را به منصفه‌ظهور رساندند. بعدها همین لفظ در توصیف اتهامات جنایتکاران جنگی که رسیدگی به آنها در دادگاه‌های داخلی کشورهای متفق به عمل آمد، بارها و بارها تکرار شد. توافق اعضای ملل متحد در مورد تصویب کنوانسیون ۸ دسامبر ۱۹۴۸ ناظر بر پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی جمعی نیز موجب شد این اصطلاح به تدریج مورد پذیرش عمومی قرار گیرد و حتی در قوانین کیفری کشورهای عضو منعکس شود.

بند دوم: مراحل تدوین کنوانسیون نسل‌کشی

در دوم نوامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پی سخنان نمایندگان، سه کشور هند، پاناما و کوبا تلاش گسترده‌ای را آغاز کرد که بعد از محاکمات نورنبرگ سرفصل جدیدی در همکاری بین‌المللی به منظور مبارزه با جرایم علیه بشریت به شمار می‌آمد. نتیجه این تلاش صدور قطعنامه شماره ۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود که مفاد آن بر اساس پیشنهاد کمیته ششم مجمع عمومی تنظیم شده بود. در این قطعنامه که در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ صادر شد، مجمع عمومی درباره نسل‌کشی به طور صریح اعلام کرد:

نسل کشی یعنی انکار حق حیات تمام گروه های انسانی، همان گونه که آدم کشی یعنی انکار حق حیات فرد. چنین انکاری وجدان بشر را تحت تاثیر قرار می دهد و زیان بزرگی بر انسان که به این ترتیب از دستاوردهای فرهنگی یا از دستاوردهای دیگر چنین گروه هایی محروم می ماند، وارد می آورد. نسل کشی مغایر قانون اخلاقی و همچنین مغایر روح و اهداف ملل متحد است.

از آن جا که مصحلت جامعه بین المللی ایجاب می کند که با چنین جنایتی به مقابله برخیزد، به موجب مفاد قطعنامه، شورای اقتصادی و اجتماعی موظف می شود مطالعات لازم را به منظور تدوین طرح کنوانسیون در خصوص نسل کشی آغاز کند و نتیجه آن را در اجلاس آتی در اختیار مجمع عمومی قرار دهد. شورای اقتصادی و اجتماعی در چهارمین اجلاس خود و در اجرای مفاد قطعنامه ۹۶ به دبیرکل ماموریت می دهد تا با کمک کارشناسان حقوق بین الملل و حقوق کیفری طرح کنوانسیون را در این خصوص تهیه کند و پس از مشورت با کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن و نظرخواهی از دولت های عضو، آن را به اجلاس آینده شورا ارایه دهد. در اجرای این ماموریت، دبیرکل سازمان ملل از سه نفر از استادان حقوق بین الملل، یعنی لیمنکن، پلا و دون دیو دووابر دعوت کرد تا او را در تهیه و تدوین این طرح یاری دهند. پس از تکمیل و اصلاح طرح مقدماتی دبیرکل، طرح نهایی طبق تصمیم شورا برای

کسب نظر به دو کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تقنین آن ارسال شد که هر یک به دلایلی از اظهار نظر غافل ماندند. شورای اقتصادی و اجتماعی ناچار موضوع را به اطلاع مجمع عمومی رساند و از دبیرکل خواست تا طرح کنوانسیون را که با کمک دبیرخانه تهیه شده بود به مجمع عمومی ارسال نماید. مجمع عمومی ملل متحد در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ طی قطعنامه شماره ۱۸۰ ضمن اعلام این که «نسل‌کشی جنایتی بین‌المللی محسوب می‌شود و در سطح ملی و بین‌المللی برای افراد و دولت‌ها ایجاد مسوولیت می‌کند» از شورای اقتصادی و اجتماعی خواست که به فعالیت‌های خود همچنان ادامه دهد و تدوین متن نهایی کنوانسیون را به انجام برساند. از این رو، شورا در ۳ مارس ۱۹۴۸ کمیته ویژه مرکب از نمایندگان کشورهای چین، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، لبنان، لهستان، اتحاد جماهیر شوروی و ونزوئلا تشکیل داد و آن را مامور کرد تا با توجه به طرح دبیرکل، متن نهایی کنوانسیون نسل‌کشی را تهیه کند. کمیته ویژه از ۵ آوریل تا ۱۵ می ۱۹۴۸ با برگزاری جلساتی در «لیک ساکسس» موفق شد طرح نهایی کنوانسیون نسل‌کشی را تهیه کند و آن را دوباره برای اصلاحات بعدی به بحث بگذارد. پس از بحث و گفتگوهای فراوان در ششمین کمیته مجمع عمومی و اصلاحات مجدد، سرانجام متن نهایی با عنوان «کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی» به موجب قطعنامه شماره ۲۶۰ در دسامبر ۱۹۴۸ به تایید مجمع عمومی رسید و برای امضا، تصویب و یا الحاق طبق ماده ۱۱ در اختیار دولتهای عضو قرار گرفت.